

ادامه از صفحه ۵

نامهای به رئیس

کاش می‌گفتند «بیاور محرومان» و ما هم با مسامحه می‌پذیریم که «سید محرومان» یعنی «بیاور محرومان»؛ بنابراین رفع فقر از خیل محرومان (و البته نه آنها که زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ چراکه بسیاری از آنان از زندگی حداقلی برخوردار هستند و محرومان آنهایی هستند که در کمال عسرت به سر می‌برند و شاید دهک اول و دوم تعبیر بهتری باشد) مورد انتظار است. کاش به جای آن همه باران‌ه که در زمان آقایان احمدی‌نژاد و روحانی در جامعه پخش شده بود، بخشی از آن به کمیته امداد و بهزیستی داده می‌شد تا بتوانند کار خود را بهتر و توانمندتر انجام دهند و آثار محرومیت وحشتناک را از بین ببرند.

۵- معیشت مردم امری است که همه روی آن تاکید دارند و بهبود آن نه‌تنها ناممکن بوده؛ بلکه روزبه‌روز به دلیل تورم سخت‌تر شده است. مردم حوق دارند که از حداقل روزانه هزارو ۸۰۰ کاری برای تغذیه و زنده‌ماندن برخوردار باشند و این در شرایط کنونی برای گروه کثیری از مردم ممکن نیست. شما نمی‌توانید زردآلوی ۷۰ هزارتومانی، کیلاس ۴۰ هزارتومانی و سایر میوه‌ها را ارزان کنید. شما قیمت حمل‌ونقل را نمی‌توانید کاهش دهید. نمی‌توانید قیمت عوامل تولید و توزیع کشاورزی و صنعت را کاهش دهید و انتظار در این موارد و شاید ادعا در این موارد بی‌جهت باشد؛ اما مردم حق دارند و شما وظیفه دارید حداقل‌های زنده‌ماندن مردم را فراهم آورید. هیچ خجالت نکشید اگر سیستم کوبنی زمان دفاع مقدس را زنده کنید. اگر شربنی و کیک و شکلات گران است، می‌توانید بگویید مردم بخورند؛ ولی نان و برنج و روغن و حداقل مواد پروتئینی برای زنده‌ماندن باید به دست آنان برسد. دولت آقای روحانی احساس می‌کرد و می‌کند که در شرایط تحریمی نیستیم و می‌خواست چنین جلوه دهد که شرایط عادی است؛ درحالی‌که آیا تورم ۵۰ درصد در شرایط عادی اتفاق می‌افتد. ما تحریم‌خواهیم نبود و اگر هم تحریم نبودیم، همه امکانات کشور را نباید خرج خورد و خوراک کرد و تازه بخشی مهم از مردم محروم و گرسنه بمانند. اگر حداقل‌ها را فراهم نکنیم، تخیل خواست حداکثری و وفور نعمت ما را بر زمین خواهد زد.

۶- ازجمله شعارهای جناب‌عالی «ما می‌توانیم» است؛ اما آیا وقتی سالانه ۲۵ میلیون تُن محصولات کشاورزی (و عمدتاً تراریخته که نمی‌دانم خوب است یا بد!) وارد می‌کنیم، کاملاً نشانه آن است که «ما نمی‌توانیم» یا «ما نمی‌توانستیم». آیا می‌توانید کاری کنید که در پایان چهار سال زمامداری‌تان این رقم نصف شود. مطمئن باشید اگر روند کشاورزی کشور – همراه با خشکسالی – به همین صورت پیش برود، چهار سال دیگر رقم ۲۵ میلیون تُن به ۳۵ میلیون تُن خواهد رسید. کشاورزی ما نیاز به یک تحول اساسی و بنیادی دارد. خیلی بد است که بگوییم «ما نمی‌توانیم»، شما ثابت کنید که «ما می‌توانیم». ۷- شما در کل صحبت‌های خود، از «ایران» نگفتید. به واقع بگوییم که حال «ایران» خوب نیست و کشور چه از لحاظ زیستگاهی و چه از نظر تأسیسات در حال استهلاک است و کافی است اشاره کنم که طبق نظر کارشناسان سالانه یک میلیون هکتار اراضی کشور از حیز انتفاع می‌افتد. سایر مسائل را خود بهتر می‌دانید. برای ایران یعنی «مام میهن» چه فکری کرده‌اید. اگر ایران نباشد یا همچنان تخریب شود، مردم محلی برای زیست، تولید، مقاومت، کمک به دیگران و مبارزه با استکبار چیزی ندارند.

جناب آقای رئیس‌جمهور منتخب آنچه در بالا آمد، فقط نگاه فطری به برخی مسائل کشور است و از شیوه طراحی نظری آینده‌نگری جامع بهره‌ای نبرده است و ادعایی هم بر آن نیست؛ زیرا دیگران با علم و اطلاع بهتر نوشته و اطلاع‌رسانی کرده‌اند و ازجمله مرقومه‌های آقای دکتر محسن رنانی که چندی پیش منتشر شد و حتماً جناب‌عالی آن را مطالعه کرده‌اید و نیز انتظار آن نیست که به همه وعده‌های داده‌شده جامه عمل بپوشانید؛ وعده‌هایی مانند ساخت چهار میلیون مسکن در چهار سال، برخورد با مظاهر فساد، تحول در نظام اجرائی و شیوه اداره کشور، اصلاح نظام بانکی، سوق دادن نقدینگی به سمت تولید، تک‌رقمی شدن تورم، پرداخت هزینه درمان از طریق ارائه کارت سلامت، ایجاد یک میلیون شغل به صورت سالانه، رونق اقتصاد فضای مجازی، اجرای خصوصی‌سازی واقعی، استفاده از ۷۰ درصد ظرفیت خالی، تحقق شفافیت و صداقت با مردم، حل مشکل حاشیه‌نشینان، نظارت دقیق بر زنجیره تامین، تولید، توزیع و مصرف کالا، شکل‌گیری دولت الکترونیک و برخی دیگر از وعده‌ها.

اما یک کار دیگر هم اگر انجام نشود، همه رشته‌ها پنبه خواهد شد و آن الگوی زندگی آمریکایی، یعنی اصالت مصرف است. امروز یکی از مهم‌ترین چاره‌ها در کشور، صرفه‌جویی است و آن هم در همه جنبه‌ها و مبارزه با مصرف زیاد و انجام حداقل مصرف. باور کنید که مصرف آب و انرژی بسیار زیاد است و تولید نمی‌تواند خود را با آن وفق دهد. انرژی اتمی هم نتوانسته کمکی به آن کند، اگر صرفه‌جویی نشود، لوله‌های آب در دریا هم به حال ما مفید نخواهد بود. برای کم مصرف‌کردن و صرفه‌جویی چه فکری کرده‌اید؟

شرق: روز بیست‌وپنجم خرداد، نشست تحلیلی روان‌شناختی کار کودکان با عنوان «نان و کودک» توسط جمعیت امام علی (ع) برگزار شد. در ابتدای این نشست زهرا پیمان، مددکار خانه ایرانی شهری جمعیت با اشاره به اینکه ۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان در نظر گرفته شده و شعار این روز برای سال ۲۰۲۱ حذف کار کودکان است، گفت: «در سال‌های اخیر سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان جهانی کار نگرانی خود را مبنی بر مشکلات اقتصادی ناشی از شرایط کرونا در دو سال اخیر که افزایش کار کودکان را در برخی از مناطق به همراه داشته عنوان کرده‌اند. آنها نگران هستند که قوانین و کنوانسیون‌های تصویب‌شده در سطح جهانی برای کاهش یا لغو کار کودکان و همچنین کاهش بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در زمینه‌های مختلف توسط کشورهایی که قوانین را امضا کرده‌اند و متعهد به انجام آن شده‌اند، به دلیل شرایط بد اقتصادی به‌درستی اجرا نشود. از جمله این قوانین می‌توان به قانون کنوانسیون ۱۳۸ که سازمان جهانی کار در سال ۱۹۷۳ تصویب کرده اشاره کرد که موضوع آن تعیین حداقل سن کار است. حداقل سن برای شروع به کار کودکان پس از اتمام تحصیلات که همان ۱۵ سال است در نظر گرفته شده و در مسأله‌ای که برخطر هستند و کودکان در معرض خطرات جسمی یا مخاطرات اخلاقی هستند، این سن ۱۸ در نظر گرفته شده است. البته بعضی از کشورها به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه این سن ۱۵ را حتی پایین‌تر آورده‌اند؛ برای مثال به‌تازگی کشور بولیوی این سن را ۱۰ سال در نظر گرفته است. در سال ۱۹۹۹ در دبال این کنوانسیون، کنوانسیون ۱۹۲ تصویب شد با موضوعیت ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک. این کنوانسیون تمامی کودکان زیر ۱۸ سال را در بر می‌گیرد. مطابق این کنوانسیون، اشکال سخت کار کودک شامل چهار بند است.

بند ۱: شامل تمامی اشکال بزرگی یا شبه‌بردگی از قبیل فروش یا قاچاق کودکان، بردگی به علت در باند بودن و کار با زور و اجبار، استخدام به‌اجبار کودکان برای استفاده از آنها در درگیری‌های مسلحانه. بند ۲: استفاده، آماده‌سازی و در معرض تماشا گذاشتن کودکان برای فحشا، تهیه تصاویر مستهجن از کودکان یا استفاده از آنها برای فعالیت‌های دارای قبح.

بند ۳: استفاده و ترغیب یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی به‌ویژه تولید و قاچاق مواد مخدر. بند ۴: کاری که به دلیل ماهیت یا شرایط آن احتمال دارد برای سلامتی یا ایمنی یا موضوعات اخلاقی مضر باشد. پیمان با اشاره به بند چهار این کنوانسیون تصریح کرد: «انتخاب مصادیق این شغل‌ها که برای کودکان خطرآفرین است، به کشورها واگذار شده و براساس استانداردهای بین‌المللی و آلمان‌هایی که وجود دارد، در این شغل‌ها مشخص و دسته‌بندی می‌شود. به نظر می‌رسد که این بند چهار می‌تواند مصداق کار پنهان کودک باشد و اگر بخواهیم کار کودکان را از جنبه دسترسی و در معرض دید بودن و آگاهی عمومی تقسیم‌بندی کنیم می‌توان سه تقسیم‌بندی را انجام داد. از جمله کار آشکار کودک مانند کار در خیابان از قبیل دست‌فروشی، پاک‌کردن شیشه ماشین یا اسیند دودکردن، کار نیمه‌پنهان شامل کارها و فعالیت‌هایی است که در مکان‌های نیمه‌عمومی ازجمله شاگردی مغازه‌ها و کار در رستوران‌ها انجام می‌شود. کار پنهان که کار در فضاهای بسته و غیرعمومی صورت می‌گیرد؛ برای مثال کار در کارگاه‌هایی که هرکسی به آن مکان رفت‌وآمد ندارد و از دید عموم کار محسوب نمی‌شوند. مثل کارهای خانگی؛ به‌عنوان مثال نگهداری یک کودک از خواهر یا برادر کوچک‌ترش یا کارهایی که سرپرست آن کار افراد خانواده هستند مثل کارگاه‌های خانگی که در آن زیر ۱۰ نفر مشغول هستند

و در ایران حتی از بازرسی وزارت کار خارج است.» به گفته پیمان ایران هر دو این کنوانسیون‌ها را پذیرفته و تصویب کرده است. در ماده ۲۹ قانون کار اشتغال زیر ۱۵ سال در هر نوع کاری ممنوع است. تقریباً می‌توان گفت این همان کنوانسیون ۱۳۸ است. همچنین مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۰ قانونی با عنوان کنوانسیون ۱۸۲ تصویب کرد که موضوع آن محو بدترین اشکال کار کودک است و در این مورد ۳۶ رشتنه شغلی را عنوان کرده که کودکان زیر ۱۸ سال به‌هیچ‌عنوان نباید در آنها کار کنند. برای کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ سال هم یک‌سری قوانین وجود دارد که شرایط کارشان مساعدتر و زمان کار کمتر و حمل بارشان کمتر باشد. حال اینکه این قانون چقدر ضمانت اجرائی دارد و چقدر اجرا می‌شود، در این بحث جایی ندارد و جای دیگر باید به آن پرداخته شود.

این مددکار تصریح کرد: «طی شناسایی‌های انجام‌شده توسط داوطلبان جمعیت امام علی (ع) تعداد قابل توجهی کودک در بدترین اشکال کار کودک کار می‌کنند، به‌طوری‌که سال ۹۶ وزارت کار اعلام کرد که ۴۵۰ هزار کودک در کارگاه‌ها شناسایی شدند. این آمار رسمی است و آمار غیررسمی هم با توجه به شیوع کرونا آمار کودکان کار را ارائه می‌کند. مشاهدات نشان می‌دهد که این اتفاقات در کارگاه‌های رسمی و مجوزدار و حتی در شهرک‌های صنعتی کاملاً به صورت آشکار در حال رخ‌دادن است. به شکلی که حتی کودکان با سرویس وارد شهرک شده و از نگهبانی رد می‌شوند و دوباره با سرویس به خانه برمی‌گردند.

جامعه

در نشست تحلیلی روان‌شناختی کار کودکان بیان شد

صاحبکاران، کودکان کار را پیش خرید می‌کنند



یعنی خیلی سیستماتیک این اتفاق می‌افتد و هیچ‌کس هم جلودار آن نیست. اگر هم بازرسان وزارت کار یا بیمه وارد کارگاه‌ها شوند، بچه‌ها را مخفی می‌کنند یا

به کارگاه‌های دیگری می‌فرستند. در بسیاری از مراکز بازیافت زباله کودکان فعالیت می‌کنند، تنها راه مبارزه با این شیوه از کار کودکان، تماس با شماره ۱۳۷ است که در مسأله‌های مشابه کودک زباله‌گرد است. گویا دوستان نمی‌دانند که اصلاً مراکز بازیافت کجاست یا اصلاً کودک زباله‌گردی ندیده‌اند.»

کودکان بی‌آرزو

در ادامه این نشست، محیا واحدی، عضو هیئت‌مدیره جمعیت امام علی (ع) گفت: «طی مصاحبه روان‌شناسان داوطلب جمعیت امام علی

با کودکان کار توانستیم نبرخی از وضعیت این کودکان داشته باشیم. با تحلیل این پرسش‌ها و جواب‌ها بود که دقیقاً دریافتیم که ادراک و احساس و واکنش‌های رفتاری این کودکان چگونه است. دوستان ما در کمیته روان‌شناسی سراغ بچه‌هایی رفتند که در منطقه شهرری و حسن‌آباد مشغول به کار در کارگاه‌های بلورسازی بودند. بچه‌هایی در منطقه ۱۲ دروازه‌غار و شاپور که مشغول به کار بابری یا کار موتورسازی بودند. آنها سراغ کودکان کار در کارخانه‌های پلاستیک‌سازی در احمدآباد می‌رفتند. اگر بخواهیم از زبان روان‌شناسی و از رویکردهای روان‌شناسی برای بیان این مسئله کمک بگیریم، در بحث روان‌شناسی طرح‌واره‌ها و مفاهیم عمیق و درونی و درون‌مایه‌ها است که به افکار و احساسات ناخوشایند که درون فرد شکل می‌گیرد تبدیل می‌شود؛ برای مثال کودکی که در کارگاه بلورسازی کار می‌کند، اذعان می‌کند که تک‌واژه رفتار و تعاملی که بین کودک و صاحب‌کارش و سرکارگرهای بزرگ‌تر از این بچه دارد صورت می‌گیرد، یک رفتار به‌شدت پرخاشگرانه و آزاردهنده است. تک‌تک بچه‌ها می‌گفتند که بی‌دلیل کتک می‌خورند و بی‌دلیل آزارهای کلامی را تجربه می‌کنند.»

واحدی تصریح کرد: «تمام این برداشتها به‌نوعی تأثیرگذار است. این کودکان در حال ذخیره خشم و خشونت هستند. خود همین بستری است که نشان می‌دهد این کودک هیچ حمایتی دریافت نمی‌کند، یعنی حمایت اجتماعی شامل این را که دوست داشته بشود، نیازهایش دیده شود، نمی‌بیند، مثلاً برای کار در تولیدی کفش ابزارآلاتی که بچه‌ها با آن سروکار دارند، ابزارآلات بسیار خطرناکی است و در موتورسازی یا بابری که کودک موظف به حمل بارهای به‌شدت سنگین است و باعث می‌شود کودک به صورت فیزیکی هم متحمل تجربیات سختی شود. خود شکل کار آزاردهنده و ثقیل و سنگین برای کودکان است. در کنار اینها رفتارهایی را که اتفاق می‌افتد هم باید اضافه کرد؛ کنش‌ها و واکنش‌های کودک با محیط، تعاملاتش با محیط، افرادی که کاملاً فعل حمایت اجتماعی‌ا را از این کودک دریغ کرده‌اند و آنچه بچه نیازش است و کاملاً نادیده گرفته شده و به‌نوعی ناکامی نیازهای بچه اتفاق می‌افتد. وقتی روان‌شناس جمعیت از بچه می‌پرسد آرزویت چیست و چه چیزی را دوست داری تجربه کنی؟ کودک به این نقطه رسیده که من اصلاً آرزو برابم مفهوم ندارد. اینکه بخواهم چیزی را دوست داشته باشم و به آن مفهومی که دوست دارم برسم در ذهن و باورهای من و شناخت من شکل نگرفته است. اینها در نتیجه آن رفتارهایی است که کودک به صورت روزانه تجربه می‌کند.

تعرضات جنسی و آزارهای دیگری هم وجود دارد که این کودکان به‌ویژه در کار پنهان تجربه می‌کنند. محرومیت عاطفی در این کودکان کاملاً مشخص است. یعنی کودک جای خالی دوست‌داشته‌شدن و حمایت را در زندگی خود حس می‌کند.»

به گفته عضو هیئت‌مدیره جمعیت امام علی (ع) این بچه‌ها به کار گرفته می‌شوند چون حقوق کمتری دریافت‌کنند، با وجود اینکه ساعت کاری زیادی دارند. در صحبت‌های کودکانی که در موتورسازی کار می‌کردند، ما با این مواجه شدیم که خیلی اوقات کار می‌کنند و پولی دریافت نمی‌کنند و این باعث سرخوردگی کودکان شده و کودک حس قنارت را تجربه می‌کند. که در صحبت‌های یکی از کودکان که در کارگاه بلورسازی کار می‌کرد دریافتیم او هر روز سر کار می‌رفت اما خریدن یک کیک برایش آرزوست. داشتن یک وعده غذایی کافی و داشتن یک تجربه خوشایند تنها در ذهن و آرزوی این کودکان می‌گذرد و همین است که شما می‌توانید پیش‌بینی کنید که این کودکان به مرور دارای یک دل‌بستگی ناایمن می‌شوند

است، ندارد و زمانی که ترک تحصیل اتفاق می‌افتد، چراغی در ذهن خانواده روشن می‌شود که اگر بچه مدرسه نرود و در محله پرمعضل رها بشود، اتفاقاتی برایش خواهد افتاد. پس کودک را سر کار می‌فرستم تا هم کمتر در محل باشد و هم کمک‌چرخی برای خانواده باشد. متأسفانه خانواده‌ها دچار اشتباه بزرگی می‌شوند که با وجود تمام اصرار ما که بچه‌ها را به سمت مهارت‌آموزی و کسب مهارت سوق بدهند تا بتوانند شغل‌های بهتری را انتخاب کنند، کارهای زودبازدهی را انتخاب می‌کنند که همان ماه اول دستمزد دریافت کنند. یکی از گزینه‌هایی که کودکان می‌توانند خیلی راحت در محله لب خط به چرخه کار پیوند بخورند پرس‌کاری است که جزء پرخطرترین مشاغل محسوب می‌شود؛ اما صاحبان مشاغل هم با آغوش باز از این کودکان استقبال می‌کنند، چراکه دستمزد یک کودک ۹ یا ۱۰ساله بسیار کمتر از یک بزرگسال یا شاید یک‌پنجم آن باشد. با ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار تومان یک کودک را از هشت صبح تا هشت شب در محیطی پرخطر و پرآسیب مشغول می‌کنند و به همین راحتی کودک وارد کارگاه‌هایی می‌شود که نمی‌داند چه آینده‌ای در انتظار اوست.»

وحید در ادامه با اشاره به صاحبکاران این مشاغل گفت: «متأسفانه صاحبکارها نه‌تنها در پرس‌کاری به طور کلی در مناطق حاشیه‌ای وضعیت خانواده‌ها سواستفاده کرده و گاهی کودکان را با دادن یک وام به خانواده و مقروض‌کردن آنها به‌اصطلاح پیش‌خرید می‌کنند و اگر در این مدت پرس‌کاری خانواده احساس کرد که دیگر نیاز نیست در این محیط پرخطر باشد، دیگر امکان خارج‌کردن کودک از این محیط را ندارد، چراکه نزد صاحبکار سفته گرو دارد و کودک باید تا پایان بدهی در کار بماند. در واقع صاحبکار نوعی ضمانت‌نامه از خانواده دریافت می‌کند. متأسفانه صاحبکار، صاحب کودک می‌شود به این معنی که حق توهین، تحقیر و تنبیه فیزیکی را که گاهی حتی خانواده انجام نمی‌دهد، برای خود قائل می‌شوند. از طرف دیگر خانواده‌ها از این عمل حمایت کرده و فکر می‌کنند که کودک ادب می‌شود و در محیط‌های خارج کار هم اگر کودک بخواهد کودکی و شیطنتی داشته باشد، با این مواجه می‌شود که به صاحبکار می‌گویم؛ یعنی صاحب‌کار به‌عنوان نماد لولویی است که در کودکی به کار می‌بردیم (نماد ترس برای کودکان است) و کودکان شدیداً از صاحبکار خود می‌ترسند.»

خبر

به هاجر، مادر ۳۶ساله کمک کنید

• شرق: هاجر، کارمند یکی از شرکت‌های خصوصی مشاوره حقوقی است و ماهانه پنج میلیون تومان حقوق می‌گیرد. او ۲۸ساله بود که با همسرش آشنا شد و ازدواج کرد. در ۳۰سالگی و پس از به‌دنیاآمدن پسرش، همسر هاجر که از ناراحتی اعصاب و روان رنج می‌برد، او و فرزندش را رها کرد و حالا از او خبری نیست. خود هاجر در کودکی چنین تجربه‌ای را داشته. وقتی مادر ۱۸ساله هاجر او را حامله بود، پدر هاجر پس از ازدواج با زنی دیگر مادر هاجر را رها می‌کند و هاجر تا زمان مرگ پدرش از او خبری نداشت. همین تجربه‌های مداوم از ترک‌شدن، باعث شده هاجر تمام تلاشش را به کار بگیرد که فرزندش در محیطی آرام‌تر از آنچه خودش تجربه کرده بزرگ شود؛ اما هزینه‌های زندگی و حقوق حداقلی و تعدیل نیروها پس از شیوع کرونا در کشور دامن هاجر را هم گرفت. فرزند ۱۱ساله هاجر مدت‌هاست که از روماتیسم رنج می‌برد. هزینه‌های درمان او از یک سو، کرایه خانه و پول پیش و قسط‌های عقب‌مانده او را وادار به قرض‌کردن از حجره‌داری از بازار کرد که به او از طرف دوستانش معرفی شده بود. با شیوع کرونا و تعدیل نیرو شدن و ازدست‌دادن کار، هاجر دیگر نتوانست به وعده خود برای پرداخت قسط‌هایش به حجره‌دار بازار عمل کند و حالا سفته ۵۰ میلیونی و چک ضمانتی که یکی از دوستانش برایش گذاشته، در حجره است و طلبکار به هاجر گفته در ازای ازدواج با او حاضر است از قرض خود صرف‌نظر کند. تفاوت سنی ۲۰ساله و متاهل‌بودن طلبکار باعث شده هاجر حاضر شود که خانه را به صاحبخانه تحویل بدهد و مدتی در خانه کوچک مادرش زندگی کند، اما زیر بار این ازدواج اجباری نرود. هاجر برای حفظ زندگی خود و کمی آسوده‌شدن نیاز به ۵۰ میلیون تومان پول دارد تا بتواند بدهی صاحبخانه را برای خود نگه دارد. اگر می‌خواهید به هاجر کمک کنید، مبالغ اهدایی خود را به شماره کارت ۰۹۱۳۰۵۶۹۶۰۶۱۰۴۲۷۰۵۰، بانک شهر به نام شهزاد همتی پل‌سنگی، خبرنگار روزنامه «شرق» واریز کنید. در صورت تأمین این پول، گزارش پرداخت و سرنوشت هاجر در روزنامه منتشر خواهد شد.



زنجیره‌امید

برپروژه‌های کودکان در طرح لبخند به‌کشمیر

مؤسسه خیریه بین المللی زنجیره امید

ارائه دهنده خدمات کیفی درمانی فوق تخصصی رایگان برای کودکان

زیر ۱۸ سال مبتلا به بیماری های قلبی ، ارتوپدی و ترمیمی

بدون در نظر گرفتن دین ، نژاد و ملیت

درمان بیش از ۱۴۰۰۰ کودک بیمار

در حال ساخت و بهره برداری از

بزرگ ترین بیمارستان فوق تخصصی کودکان زنجیره امید



 **zanjirehomid**

#*۷۳۳*۷*۴*

۰۲۱ - ۲۲۷۴۷۶۸۱

آدرس : میدان تجریش . خیابان فناخسرو . پلاک ۳۱